

پژوهشی پیرامون جامعه شناسی خانواده دورکیم فاطمه جمیلی کهنه شهری دانشگاه الزهرا (س)

چکیده:

هدف اصلی این مقاله معرفی جامعه شناسی خانواده دور کیم که بیش از نیم قرن مورد غفلت قرار گرفته بود می باشد. دستیابی به این مهم از طریق رجوع به مقالات معین و جمع آوری و تنظیم موضوعات پراکنده در کتب مختلف وی صورت گرفته است.

ضمناً به تحلیل چهار فرضیه پرداخته ایم. نتایج بشرح ذیل می باشد:

- ۱- بر طبق معرفت شناسی دور کیم، نهاد خانواده ریشه در مذهب دارد.
- ۲- در چشم انداز دور کیم، از آنجا که زنان محصول طبیعت و مردان محصول جامعه قلمداد شده اند، نظریه تعیین اجتماعی فقط در مورد جنس مرد مورد تایید می باشد.
- ۳- ظهور یک نظریه جدید و مستقل پیرامون خانواده مستلزم تحقیقات تجربی تطبیقی بسنده است، ولی از آنجا که دور کیم بعنوان یک اصلاح گرای اجتماعی، نقش مهمی را برای اخلاق در نظرات اجتماعی قائل است، این امر نیز ممکن است موجب تاخیر در ارائه نظریه خانواده گردیده باشد.
- ۴- از نقطه نظر دور کیم، افزایش تقسیم کار اجتماعی در توسعه جوامع موجب خانه نشینی بیشتر زنان گردیده است و لذا، توسعه روابط زناشویی تابع مدل توسعه اجتماعی دور کیم نمی باشد.

۱- مقدمه

«آیا واقعا حرف تازه ای برای گفتن داری؟»

تیریاکیان (۱۴۲ : ۱۳۷۳)، دهه گذشته را موج وسیع مطالعات عالی جامعه شناسی پیرامون «دورکیم» و زمان فعلی دوره نقد مطالعات قبلی و پاسخ به این پرسش منصفانه قلمداد می کند : آیا واقعا حرف تازه ای برای گفتن داری ؟

غفلت بیش از نیم قرن در معرفی آثار «دورکیم»، متفکر سرشناس جامعه شناسی کلاسیک پیرامون خانواده که بزعم وی یکی از بزرگترین نهاد های اجتماعی است و پرهیز وی در نظریه پردازی مستقل علیرغم اهمیت ویژه ای که برای آن قائل بوده است، مسئله ما، و پاسخ به آن ، هدف این مقاله در قالب موارد ذیل می باشد:

۱- معرفی اجمالی مقالات دورکیم پیرامون جامعه شناسی خانواده .

۲- کند و کاو در آثار دیگر «دورکیم» و جمع آوری مطالب پراکنده پیرامون خانواده و انتظام آنها بر اساس چشم انداز ویژه جامعه شناختی وی در ابعاد معرفت شناختی، رویکرد روش شناختی، مراحل تحول ، علل و کارکرد، تفاوت های جنسی و نقد و بررسی آنها.

ضمنا فرضیه های ذیل، ابعاد تحلیلی این مطالعه را تشکیل می دهند:

۱- نهاد خانواده به لحاظ معرفت شناسی «دور کیم» ریشه در مذهب دارد.

۲- جنسیت در چشم انداز «دور کیم» تابع نظریه تعیین اجتماعی وی می باشد.

۳- ظهور نظریه مستقل پیرامون خانواده تابع دستیابی به تحقیقات تجربی تطبیقی بسنده می باشد.

۴- توسعه روابط زناشویی تابع مدل توسعه اجتماعی «دور کیم» است.

۱-۱- مروری بر پیشینه تحقیق و اهمیت موضوع

«بیندر» (Bynder, 1969: 294-305) در مقاله ای تحت عنوان «امیل دور کیم و جامعه شناسی

خانواده»^۱ که در مجله «ازدواج و خانواده»^۲ در سال ۱۹۶۹ به چاپ رسید، آنچه را که در مورد نوشته های «دور کیم» پیرامون خانواده بطور عمومی مورد غفلت جامعه شناسان امریکایی قرار گرفته بود ارائه کرد و اظهار داشت که فقط از حوالی سال ۱۹۶۹ توجه فزاینده ای به سهم «دور کیم» در این زمینه صورت گرفته

است. وی می‌افزاید که علیرغم آنکه «دور کیم» در ردیف اصلی‌ترین نظریه پردازان اجتماعی به شمار می‌آید ولی توجه ویژه وی به جامعه‌شناسی خانواده دور از نظرها بوده است. خانواده به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در نظر «دور کیم» در اظهارات «دیوی»، «آلپرت» و «گود» (Davy, 1931:104; Alpert, 1939:59; Goode, 1956:179) نیز مورد تایید قرار گرفته است.

بنا به اظهار «دیوی» (Davy, 1931: 212-213)، «دورکیم» دوره‌های درسی بسیاری را در این موضوع در دانشگاههای «بردو»^۳ و پاریس ارائه کرد ولی متأسفانه در هنگام مرگش، مواد تهیه شده کاری بزرگ پیرامون خانواده را نتوانست جمع‌آوری کند و بقول «گود» (Goode, 1959:179) تعجب آور آنکه این مهم نیز توسط دیگران صورت نگرفت و اگر مقالاتی ارائه شد بسیار کوتاه و مختصر بود همچون مقالات «مارسل موس»، «دیوی»، «بلا»، «بیرستد» و «نیزیت».

(Mauss, 1923:7-29; Davy, 1931; Bellah, 1959:453-455; Biersted, 1966:156-158; Nisbet, 1965:65)

بهرحال، همچنانکه «بیندر» (B., 1969:295,305) نیز تاکید کرده است، سخنرانی «دور کیم» پیرامون خانواده زن و شوهری (۱۸۹۲) یکسال قبل از «تقسیم کار» (۱۸۹۳) به چاپ رسید. این مطلب نمایانگر اهمیت ویژه ای است که «دور کیم» به مسائل مهم تغییر خانواده و فقدان کارکردهای خانوادگی می‌داد، چنانچه ترجمه مقاله «خانواده زن و شوهری»^۴ به‌همراه «تقسیم کار» و مسائل فوق‌الذکر، محور نظریه خانواده تطبیقی را در آثار «پارسونز»، «بیلر» (Parsons & Bales, 1955) و «گود» (Goode, 1963) فراهم نمود.

۲-۱- عرصه و منابع جامعه‌شناسی خانواده

طبق اظهار «آلپرت» (Alpert, 1939:53)، جامعه‌شناسی خانواده «دور کیم» در عرصه وسیع جامعه‌شناسی حقوقی و علم‌پدیده‌های اخلاقی قرار می‌گیرد بطوریکه سهم اصلی مطالعات وی پیرامون «تقسیم کار» و «خودکشی» را به خود اختصاص داده است. علاوه بر آن، سه اثر عمده جامعه‌شناسی خانواده «دور کیم»، بنا به اظهار بیندر (B., 1969:295) عبارتند از:

۱- «مقدمه ای بر جامعه‌شناسی خانواده»^۵ که در سال ۱۸۸۸ در دانشگاه «بردو» توسط دور کیم

طی يك دوره درسی ارائه گردید.

۲- «خانواده زن و شوهری» که هفدهمین و آخرین سخنرانی دوره درسی پیرامون خانواده بود و در سال ۱۸۹۲ ایراد گردید و بعد از مرگ دور کیم در سال ۱۹۲۲ به چاپ رسید.

۳- «طلاق با رضایت طرفینی»^۶ که در سال ۱۹۰۶ به چاپ رسید.

مقالات مذکور همگی به زبان فرانسه است. در سال ۱۹۶۵، «سیمپسون» (Simpson, 1965: 527-) مقاله «خانواده زن و شوهری» را به انگلیسی در مجله آمریکایی جامعه شناسی تحت عنوان «قطعه ای از دور کیم»^۷ به چاپ رساند که موجب آشنائی خوانندگان آمریکایی آثار دورکیم پیرامون عمده ترین عبارت وی در باره ظهور خانواده زن و شوهری گردید.

۲- ماهیت خانواده

«دور کیم» در «قواعد روش جامعه شناسی» (D., 1895/1982:38) خانواده را یکی از نهادهای اصلی اجتماعی معرفی می کند که در وضعیت علم آنروز، ماهیت، علل، کارکردها و قوانین تحول آن شناخته نشده بود. نهاد در نظر وی (Durkheim, 1895/1982:45) یعنی کلیه باورها و شیوه های رفتاری است. بعبارت دیگر بمعنی واقعی اجتماعی است که بصورت جمعی و خارج از شعور فردی استقرار یافته و بر فرد تحمیل می شود. «واقعیت بنیادی»^۸ در نظر دورکیم (D., 1895-1982: 54,55) تکرار و قوام کنش یا اندیشه است که موجب تشکیل هیاتی خاص می گردد و بوسیله آموزش انتقال یافته و منشاء و سرشت قواعد قضائی و اخلاقی بشمار می آید. اینگونه وقایع اجتماعی، بمشابه جریانهای فکری است که شدت آنها بر حسب زمان و مکانی که در آن واقع شده، متفاوت است و افراد را به ازدواج یا نرخ بالاتر یا پائین تر تولید مثل وا می دارد.

«دور کیم» در کتاب «صور اولیه حیات دینی» (D., 1915/1976:106) دین را اساس و پایه خانواده به شمار می آورد چرا که تمامی نهادهای بزرگ اجتماعی از جمله نهاد خانواده به زعم وی (Durkheim, 1915/1976:418,419) در دین متولد شده اند و معنی عقاید و مقصود جامعه، روح دین است.

از آنجا که از نظر «دورکیم» (D., 1895/1982:44) هر پدیده اجتماعی همچون سایر پدیده‌ها طبیعی، واقعی است و هرآنچه که واقعی است سرشت معینی دارد که حتی اگر قابل خنثی کردن باشد هرگز بطور کامل از بین نخواهد رفت، بنابراین، این ویژگی در مفهوم جبر اجتماعی^۱، اساسی‌ترین مطلب است و می‌توان چنین دریافت که نهاد خانواده در نظریه پدیده‌های اجتماعی، باقی و مسلط است؛ چنانچه «مسترویک» (Mestrovic, 1991:145) اصلی‌ترین نظریه «دورکیم» را اتصال زنجیره‌ای گذشته و حال قلمداد می‌کند، «تیریاکیان» (Tiryakian, 1989: 129) با توسل به آن و طرح عدم تمایز^۲، به تبیین تجدید حیات دین در جوامع مدرن می‌پردازد و «هولتون» (Holton, 1996: 35) به ظهور جامعه بمشابه واقعیت بیرونی در نهاد خانواده و نقش انفعالی افراد در ساختار گرای «دورکیم» اشاره می‌کند.

۳- رویکرد روش شناختی در مطالعه خانواده

بنا به اظهار «بیندر» (B., 1969.295)، رویکردهای روش شناختی «دورکیم» در مطالعه خانواده، در اولین سخنرانی وی پیرامون «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده» (D., 1888: 257-282) ارائه گردید که شامل هم روشی ایده‌آلی و هم رویکردی عملی‌تر در این زمینه می‌باشند. با توجه به اظهارات «بیندر» (B., 1969) و «گین» (Gane, 1988) و نیز با مراجعه به سایر آثار «دورکیم»، به ذکر رویکرد روش شناختی وی در قالب قاعده تعریف خانواده، ابزار شناخت، عناصر، جدول و تبیین سازمان خانواده می‌پردازیم.

۳-۱- قاعده تعریف خانواده و اهمیت آن

«دورکیم» در کتاب «قواعد روش جامعه‌شناسی» به قاعده‌ای در تعریف پدیده اشاره می‌کند که می‌باید پدیده حیات خانوادگی بر اساس آن تعریف شود:

«موضوع تحقیق باید فقط گروهی از پدیده‌هایی را که قبلاً توسط

خصوصیات بیرونی عمومی و معین تعریف شده‌اند و تمامی پدیده

هایی را که با اینگونه تعریف مطابقت دارند، شامل گردد.»

(D., 1895/1982:75)

از نظر «دورکیم» (D., 1895/1982: 38) در تمامی جوامع، وجود جامعه‌ای کوچکتر قابل تشخیص

است چرا که اکثر افراد آن روابط خویشاوندی دارند و بر یکدیگر بواسطه قیود حقوقی پیوند خورده اند؛ و این مبنای تشکیل گروهی خاص با نامی مجزا تحت عنوان «پدیده حیات خانوادگی»^{۱۱} می گردد. وی هر نوع تجمعی از اینگونه را خانواده می نامد و در این رابطه می افزاید که تا آنزمان جایگاه خاص تحقیقی این موضوع در اصطلاحات جامعه شناسانه تعیین نشده بود. با گذر از خانواده بطور عمومی، به انواع مختلف خانواده می رسیم که باید همین قاعده بکار رود. برای مثال هنگامیکه به تحقیق پیرامون «کلان»^{۱۲} یا «خانواده مادری»^{۱۳} یا «خانواده پدر سالار»^{۱۴} مبادرت می ورزیم، موضوع تحقیق چه عمومی باشد چه خاص؛ باید بر طبق همان اصل تعیین گردد. «دور کیم» نکته مهم در این شیوه را مواجهه مستقیم جامعه شناس با واقعیت می داند، با سرشت اشیاء، نه طبقه بندی های ذهنی دیگران یا خودش، ولو این شیوه عوام پسند نباشد، مثلاً یک «کلان» در اصطلاح عامیانه، خانواده بشمار نمی آید.

«دور کیم» (D., 1895-1982:77) در باب اهمیت تعریف خانواده به نقد نظریه «اسپنسر» (Spencer, 1882)

پیرامون زناشویی می پردازد. از نظر وی، «اسپنسر» با کاربرد «تك همسری»^{۱۵} بدون تعریف آن، در تبیین تحول زناشویی دچار اشتباه شده و می پندارد که نوع عالی تر «اتحاد جنسی»^{۱۶} از مراحل نخستین تحول تاریخی موجود بوده است در حالیکه در دوره میانه، این نوع زناشویی از نظر «دور کیم» در حال اضمحلال بود و دوباره در دوره بعد ظاهر گردید. بر این مبنا «اسپنسر» نتیجه گرفت که هیچگونه رابطه پایداری میان پیشرفت اجتماعی در کل و ترقی تدریجی بسوی نوع کاملی از «حیات خانواده»^{۱۷} موجود نیست؛ در صورتیکه از نظر «دور کیم» اگر از ابتدا تك همسری تعریف می شد این اشتباه رخ نمی داد. وی استدلال می کند که دو نوع «اتحاد تك همسری»^{۱۸} موجود است. یکنوع که در واقع وجود دارد و نوع دیگر که بصورت قانونی وجود دارد. در نوع اول، شوهر فقط يك همسر دارد هرچند بطور قانونی می تواند چند زن داشته باشد. در نوع دوم، چند زنی بطور قانونی منع شده است. «تك همسری اجباری»^{۱۹} صرفاً در جوامعی با بالاترین مرحله تحول و توسعه مشاهده می شود. وی نتیجه می گیرد که ایندو واحد زناشویی اختلاف معنی داری با یکدیگر دارند در حالیکه در هر دو مورد يك واژه بکار می رود.

بطور معین، خانواده در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» (D., 1893/1989:xliv) چنین تعریف شده

است:

«خانواده گروهی از افراد است که به لحاظ نزدیکی کاملاً ویژه در عقاید، احساسات و منافع، در هیئت سیاسی با یکدیگر همبسته اند.»

۲-۳- ابزار شناخت خانواده

به منظور دستیابی به دانش پیرامون خانواده در جوامع گوناگون و استقرار انواع خانواده، دور کیم (D., 1888:278) به سه نوع ابزار ذیل اشاره می کند:

۱- «قوم نگاری و تاریخ»^{۲۰}

۲- «رسم و قانون»^{۲۱}

۳- «جمعیت نگاری»^{۲۲}

قوم نگاری برای داده های جوامع ابتدائی موجود و تاریخ برای کسب اطلاع پیرامون خانواده در گذشته مثل خانواده رومی، کاربرد دارند. «دور کیم» فقط به یک راه برای شناخت دقیق ساختار یک نوع خانواده اشاره می کند و آن «رسیدن به درون آن»^{۲۳} است.

سوال اصلی «دور کیم» (D., 1888:267) محل دریافت این اطلاعات است؛ یعنی انواع رفتار و کاربرد آنچه که فرد «رسوم» و «قوانین» می نامد. وی تأکید می کند که در صدد ارائه رویدادهای ساده زندگی شخصی نیست، بلکه اعمال منتظم و مداومی که از تجربیات جمعی نسل بعد از نسل جمع آوری شده، مدنظر است از اینرو، رسم، درست همان چیزی است که بطور معمولی و مبرم در تمامی سلوک فرد موجود است. ولی باید در نظر داشت که قانون و رسم به تبیین تغییرات اجتماعی که سخت و محکم شده اند می پردازد؛ از اینرو «دور کیم» (D., 1888: 271) برای شناخت پدیده هایی که هنوز توسعه نیافته اند یا به این درجه از تبلور نرسیده اند به «جمعیت نگاری» اشاره می کند که امکان رسیدن به پدیده زندگی را حتی اگر شکلی حقوقی نگرفته باشد میسّر می نماید. جمعیت نگاری از نظر وی در تبیین بروز جنبشهای زندگی جمعی موفق بوده است و مشاهده گر تنها هرگز قادر به دیدن حتی سهم کوچکی از افق اجتماعی نمی باشد. اهمیت جمعیت نگاری از نظر «دور کیم» در احاطه آن بر کل جامعه است.

گین (Gane, 1988: 127) نیز در این رابطه اظهار می دارد که جامعه شناس از نظر «دور کیم» در

مطالعه خانواده باید پیرامون شواهد آماری و قوم‌نگاری به جستجو پردازد. آمار، امکان تحلیل پدیده‌های اجتماعی سیال^{۲۴} را میسر می‌کند و قوم‌نگاری موجب سهولت تحلیل پدیده‌ای که همچنان «متعین»^{۲۵} و «یکپارچه»^{۳۱} است می‌گردد. «دور کیم» (D., 1895/1982:202) نقش آمار را در دستیابی به نرخ تولد و ازدواج طی تغییرات محیطی بسیار مهم بشمار می‌آورد. بنظر وی طبقه بندیهای مختلف کنشها در رابطه با تولدها و ازدواجها، بیانگر جایگاههای اجتماعی پایدار است که خوب تعریف شده اند و شدت آنها نیز قابل اندازه‌گیری است و ربطی به تلون مزاجی فردی ندارد.

در مجموع، بنا به اظهار «توسلی» در «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، (۱۳۳:۱۳۷۴)، بنظر میرسد پیوند قوی رویکرد جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در آثار «دور کیم» غیر قابل تفکیک است.

۳-۳- عناصر سازمان خانواده

«دور کیم» (D., 1888: 259) تحلیل خود را پیرامون خانواده با تعیین عناصر سازمان خانواده بر اساس داده‌های شناخته شده‌ای که از خانواده‌های اروپایی بطور مقایسه‌ای بدست آمده بود، آغاز کرد. عناصر مهم از نظر وی عبارتند از روابط افراد با یکدیگر و روابط افراد در رابطه با «مالکیت»^{۳۲} (برای مثال مالکیت دارایی). طبقه بندی افراد شامل والدین، فرزندان و بستگان همخون است. همچنین دیگر عنصر سازمان خانواده، حکومت است که با زندگی خانوادگی ادغام می‌شود و بصورت عامل مهمی در این رابطه ظاهر می‌گردد. از نظر «بیندر» (B., 1969:296) در توصیف انواع ارتباطات، «دور کیم» به آندسته از عوامل توجه داشت که موجب تغییر اینگونه روابط در نظامهای متفاوت خانوادگی می‌گردید؛ مثل قواعد ازدواج^{۳۸}.

«دور کیم» (D., 1915/1976:106)، با اشاره به جوامع پست تر در کتاب «صور اولیه حیات دینی»، شناخت سازمان خانواده را منوط به شناخت باورهای دینی اولیه می‌داند چرا که از نظر وی دین، اساس و پایه خانواده است.

۳-۴- جدول سازمان خانواده

جدول سازمان خانواده «دور کیم» (D., 1888: 260) بطور موقت مورد پذیرش قرار گرفت چرا که وی صریحا اعلام کرده بود که توسعه بیشتر جدول مذکور فقط در پایان دوره درسی امکان پذیر است. ضمنا در هر يك از انواع ارتباطات، مدارك قانونی متغیرها بیش از مدارك اخلاقی مورد استفاده بودند. «دور کیم» بر این

باور بود که در فرایند مطالعه انواع نظامهای خانوادگی، مشاهده اثر الگوهای غیر رسمی بر توسعه و تغییر خانواده فقط با شروع مطالعه از هنجارهای رسمی که بوسیله قانون مشخص و تعیین شده اند، امکان پذیر است. در این رابطه، تاکید «دور کیم» بر عناصر رسمی و قانونی سازمان خانواده، بنا به اظهار «بیندر» (B., 1969:296) شاهد دیگری است در پشتیبانی از این ادعای «نیزیت» (Nisbet, 1965:63) که «اقتدار در نظر دور کیم دارای اهمیت روش شناختی است».

جدول سازمان خانواده «دور کیم» (D., 1888 : 260,261) از عناصر ذیل تشکیل شده است:

۱- روابط نسبی^{۲۹}

۱-۱- روابط شوهر با اولیای خود و اولیای همسرش

الف- بر حسب افراد

۱- رهایی از طریق ازدواج^{۳۰}

۲- مشاوره حقوقی^{۳۱}

ب- بر حسب مالکیتها

۱- حق وراثت^{۳۲}

۲- جهیزیه^{۳۳}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱-۲- روابط زن با اولیای خود و اولیای شوهرش

الف- بر حسب افراد

ب- بر حسب مالکیتها

۱-۳- سایر روابط زناشویی، سرشت و تبعات آنها

۱-۴- روابط فرزندان با بستگان خونی سببی (اولیا) و بستگان خونی نسبی (ازدواجی)

الف- بر حسب افراد

۱- مشاوره خانوادگی

۲- قیومیت^{۲۴}

ب- بر حسب مالکیتها: حق وراثت

۲- زن و شوهر

۲-۱- روابط افراد متاهل آینده در استقرار خانواده (ازدواج)

الف- توانایی ازدواج^{۳۵}

ب- رضایت^{۳۶}

ج- عدم وجود ازدواج قراردادی قبلی (تك همسری)

[دور کیم فرض می کند که تك همسری بنای استقرار یافته ازدواج است]

د- عدم وجود روابط از نوع منع شده (زنا با محارم)^{۳۷}

۲-۲- روابط میان زن و شوهر

الف- بر حسب افراد

۱- حقوق و وظایف مربوط به زن و شوهر

۲- ماهیت قیود قانونی (قابل تجزیه در برابر منحل نشدن)^{۳۸}

ب- بر حسب مالکیتها

۱- قاعده جهیزیه

۲- تفکیک مالکیتها

۳- بخشش ها

۴- حق وراثت

۳- فرزندان

۳-۱- روابط فرزندان با اولیا

الف- بر حسب افراد

۱- قدرت والدینی^{۳۹}

۲- رها سازی

۳- اکثریت^{۴۰}

ب- بر حسب مالکیتها

۱- میراث^{۴۱}

۲- سهم الارث^{۴۲} (بخشی از میراث که باید به وراثت محول گردد)

۳- مالکیت فرزند

۴- قیمومیت اولیا

۳-۲- روابط میان فرزندان (روابط که حق الارث را بطور حقیقی کم می کند)

۴- حکومت

۴-۱- مداخله عمومی حکومت بطوریکه حق خانواده را به رسمیت شناسد (به عنوان يك نهاد اجتماعی)

۴-۲- مداخله در روابط میان زن و شوهر آینده (مراسم ازدواج)

۴-۳- مداخله در روابط میان زن و شوهر (نیابت اقتدار دیوان محاکمات بر آنچه که شوهر تحت

شرایط معین دارا می باشد)

۴-۴- مداخله در روابط میان والدین و فرزندان

الف- یاری رساندن به دادگاه در اجرای قدرت والدینی

ب- ضامن فرزند شدن

ج- روشهای قانونی در کاهش اقتدار والدینی

۵-۴- مداخله در روابط بستگان مخزون

الف- در مشاوره خانوادگی

ب- در نظارت مالی

۵-۳- تبیین سازمان خانواده

در این بخش به بحث پیرامون انواع روشها و تاکیدات روش شناختی و نقد تبیین روانشناختی از دیدگاه

«دور کیم» می پردازیم.

۱-۳-۵- روش تحلیل تطبیقی

«دور کیم» روش تحلیل تطبیقی را جهت تبیین سازمان خانواده پیشنهاد کرد؛ این نوع تحلیل در نظر وی هنگامی میسر است که جدول سازمان خانواده در مورد بسیاری از جوامع مختلف تکمیل شده باشد؛ ولی بنا به اظهار «بیسندر» (B., 1969, 296,298) متأسفانه «دور کیم» دانش موجود در باره خانواده را در جوامع مختلف بسنده نیافت. وی دریافته بود که داده های تجربی ناکافی در جدول مقدماتی سازمان خانواده، امکان تحلیل تمامی انواع خانواده را به لحاظ عدم کفایت عناصر آن فراهم نمی کند. در نتیجه به روش تطبیقی با ابهام کمتر اکتفا نمود. مثلاً به مقایسه آندسته از نظامهای خانوادگی پرداخت که دارای داده های کافی بودند و از طریق مقایسه خانواده های اروپایی فراهم گردیده بودند. از این طریق، «دور کیم» انتظار داشت که با تطبیق و تبیین عناصر سازمان خانواده، و بر اساس دانش موجود از زندگی خانواده، به تفکر نظری^{۴۳} پیرامون عوامل تعیین کننده سازمان خانواده در سایر جوامع بپردازد. «بیسندر» می افزاید که به منظور تبیین خصیصه های اساسی هر یک از انواع خانواده، «دور کیم» دانش موجود پیرامون نظامهای خانوادگی را بر اساس شباهتها و تفاوتها گروهبندی کرد تا به مقایسه شرایطی که تحت آنها این شباهتها و تفاوتها حاصل شده و توسعه یافته اند نائل آید.

«گین» (Gane, 1988:23-25) نیز با اشاره به معتبر نبودن دانش انواع مختلف خانواده از نظر «دور

کیم»، به دلیل عدم امکان دستیابی به این دانش بر پایه مطالعه ای تجربی، تلاش وی را مصروف تنظیم

طبقه بندی تکاملی^{۴۴} و بررسی تطبیقی - کارکردی اولیه^{۴۵} انواع استقرار یافته آن، همچنین طرح عناصر

روش شناختی و نظری برنامه وسیعتری که شکل بخشی انبوه اجتماعی^{۴۶} را تعیین می‌کنند، بشمار می‌آورد که همگی دلالت بر اهمیت وی به یک برنامه ایده آل تحقیقاتی دارند.

۲-۵-۳- روش تاریخ تطبیقی

بنا به اظهار «گین» (Gane, 1988:39) «دور کیم» در مورد پیشنهاد خود مبنی بر کاربرد روش تاریخ تطبیقی در مطالعه خویشاوندی، چنین استدلال می‌کند که به لحاظ شکل‌گیری تدریجی نهادها، اجزا آن در طول زمان انباشت می‌شوند و لذا مطالعه تاریخی روشنگر چگونگی انباشت این اجزاست و برای محقق روند طبیعی پیوستگی و پراکندگی^{۴۷} را نمایان می‌سازد. همچنین مطالعه خویشاوندی بیانگر این واقعیت است که چگونه آنچه به نظر ساده می‌رسد دارای روند پیچیده تاریخی در شکل‌گیری است. این روش به تنهایی امکان صورت‌بندی تبیین علی به ترسیم واقعیتی که در پشت این ظواهر موجود است، می‌پردازد که فقط در اینصورت است که علت موجب معلول می‌شود؛ لذا باید لحظه پیدایش و تکرین آنرا مشاهده کرد. از اینرو جامعه‌شناسی ارتباط ویژه‌ای با تاریخ دارد ولی تاریخ به جوامع نظر می‌اندازد در صورتیکه جامعه‌شناسی، تطبیقی و تجربی است.

۳-۵-۳- روش ژنتیک^{۴۸}

«دور کیم» (D., 1895/ 1982:157) تاریخ تحلیلی اجتماعات بزرگ اروپائی را قادر به تبیین دقیق تحول واقعه اجتماعی می‌داند و تبیین عمیقتر وضعیت کنونی خانواده و زناشویی را مستلزم شناخت منشاء^{۴۹} آنها و عناصر نخستین^{۵۰} ترکیب و ساخت این نهاد می‌داند. وی با اشاره به روش «ژنتیک»، فهم و درک هرگونه نهاد اجتماعی و از جمله دریافت سازمان خانوادگی^{۵۱} را از این طریق میسر می‌داند. در این روش اول باید ساختمان بدوی‌ترین نوعی^{۵۲} که وجود داشته، تشکیل شود تا مسیر پیچیده تر شدن مستمر آن دنبال گردد. روش ژنتیک چگونگی تجزیه و ترکیب پدیده را بدست می‌دهد، زیرا عناصر سازنده پدیده در این روش بطور مجزا نشان داده می‌شوند.

۴-۵-۳- عینیت

«گین» (G., 1988:25) به یکی دیگر از تاکیدات «دور کیم» در مورد خانواده اشاره می کند و آن «عینیت»^{۵۳}، به معنی رسیدن به موقعیتی است که امکان واقعی صورت بندی قوانین حقیقی جامعه شناختی^{۵۴} فراهم می گردد. در این رابطه «دور کیم» به اهمیت آگاهی جامعه شناسی از سرشت و ماهیت مواد خام تحقیقاتی که کمتر عینی هستند اشاره دارد. بعبارت دیگر از نظر وی، جامعه شناسی می بایستی تمامی آنچه که بطور ذهنی^{۵۵} از زندگی خانواده نقل می شود بدور ریزد و فقط در این شرایط است که قواعد به عنوان معیارهای مورد استفاده جامعه شناس در تعیین هویت وقایعی که در حوزه تحقیقی وی قرار دارند، ظاهر می گردند.

«دور کیم» (D., 1895/ 1982:83) ضمن نقد طبقه بندی انواع خانواده مبتنی بر اوصاف ادبی سیاحتگران و گاه مورخان، بدلیل بهم آمیختگی انواع گوناگون آنها، تشکل حقوقی خانواده^{۵۶} را به عنوان مبنای طبقه بندی پیشنهاد می کند چرا که ملاکی عینی است و از بسیاری اشتباهات بدور است.

۵-۵-۳- رابطه علی

از آنجا که مفهوم محیط اجتماعی^{۵۷} در نظر «دور کیم» (D., 1895/ 1982:138) به عنوان عامل تعیین کننده در تکامل جمعی^{۵۸} واجد اهمیت بسیار است؛ این قاعده در رابطه با محیطهای خاص^{۵۹} گروههای ویژه ای^{۶۰} که در جامعه وجود دارند نیز صادق است. برای مثال، بر حسب بزرگی یا کوچکی خانواده، زندگی خانوادگی^{۶۱} بطور قابل ملاحظه ی متفاوت خواهد شد. تلاش جامعه شناس از نظر دور کیم (D., 1895/ 1982:136)، کشف تاثیر خواص متفاوت محیط عمومی^{۶۲} بر جریان پدیده های اجتماعی^{۶۳} است. در این رابطه می بایستی حجم^{۶۴} جامعه، درجه تمرکز^{۶۵} توده مردم یا بعبارت دیگر، تراکم پویای^{۶۶} آن به شرط ثابت بودن حجم جامعه، مورد ملاحظه قرار گیرد. بعبارت دیگر، سازمان اجتماعی روابط خویشاوندی تعیین کننده احساسات مربوط به والدین و فرزندان است نه بالعکس. (Bellah, 1973:133).

۶-۵-۳- نقد تبیین روانشناختی پدیده‌های اجتماعی

«دور کیم» (D., 1895/1982:157) ضمن نقد روش «اگوست کنت» و «اسپنسر» در تبیین پدیده‌های اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی عمومی که بترتیب آنها را به نظریه اثباتی سرشت بشر^{۶۷} و نیز به محیط بیرونی و ساختمان جسمانی و اخلاقی فرد نسبت می‌دهد، به نقد روش تبیین در نظریه‌های خاص^{۶۸} از جمله سازمان خانوادگی که عموماً توسط احساسات والدین نسبت به فرزندان و بالعکس تبیین می‌شود و نیز نهاد ازدواج، بدلیل مزایایی که برای زن و شوهر و فرزندانشان فراهم می‌کند، می‌پردازد. وی ضمن تاکید بر اینکه پدیده‌های اجتماعی قادر به تحت فشار قرار دادن وجدان فردی^{۶۹} از بیرون می‌باشند، استدلال می‌کند که نمی‌توان آنها را زائیده وجدان فردی شمرد و لذا جامعه‌شناسی فرع بر روانشناسی نخواهد بود.

«دور کیم» (D., 1895/1982:131,132) نقص عمده را پنداشت نادرست معلول به جای علت به شمار می‌آورد به عبارت دیگر بزعم وی در تبیین زناشویی و خانواده، فطری^{۷۰} شمردن حسادت جنسی و یا مهر پدرا نه^{۷۱}، نادرست است. وی مدعی است که تاریخ نشان می‌دهد اینگونه قیالات صرفنظر از ذاتی^{۷۲} تلقی کردن آن در سرشت آدمی، حضوری در شرایط معین و یا بطور کل نداشته است و یا از يك جامعه به جامعه ای دیگر چندان گوناگون است که با حذف تفاوتها، منشا روانی قائل شدن برای آن بقدری مبهم است که قابل تبیین نیست. بدین ترتیب «دور کیم» نتیجه می‌گیرد که اینگونه احساسات، نتیجه سازمان جمعی است و نه اساس آن.^{۷۳}

همچنین «دور کیم» در کتاب «صور اولیه حیات دینی» (D., 1915/1976:6) با استناد به کشفیات قوم نگاران در مطالعه نهادهای انسانی، تلقی پدر به عنوان عنصر اصلی خانواده و محور و اساس تبیین سازمان خانواده را که تا اواسط قرن نوزدهم رایج بود، مورد نقد قرار می‌دهد. وی آنچه را که «باکوفن»^{۷۴} کشف کرده بود واژگون کننده تبیین مبتنی بر اقتدار الگویی به شمار می‌آورد. همچنین تبیین روابط اخلاقی و حقوقی قوم و خویشی^{۷۵} را به عنوان جلوه دیگری از روابط روانشناختی^{۷۶} و محصول توارث متعارف که بحث رایج «باکوفن»، «مک لئن»^{۷۷}، «مورگان»^{۷۸} و ... به شمار می‌آمد، مورد نقد قرار داده، تبیین روابط^{۷۹} را از طریق قرابت نسبی^{۸۰} با توجه به ماهیت کلان اولیه، میسر نمی‌داند.

از آنجا که از نظر «دور کیم» (D., 1815/ 1976:65,66) موجودیت انسان هم در رابطه با محیط فیزیکی است و هم محیط اجتماعی، ضمن آنکه سرشت آدمی متفاوت از حیوان است، تبیین روابط انسانی را براساس غرائز^{۸۱} مورد نقد قرار می دهد. وی با استناد به اینکه موجودیت کمونیسیم جنسی^{۸۲} با موجودیت حسادت جنسی در انسان مغایر است، استدلال می کند که در صورت حسادت جنسی شدید انسان همچون حیوان و عدم توانایی وی در مهار یا در صورت لزوم، حذف آن، وجود چنین شرایطی را امکان پذیر نمی داند. لازم به ذکر است که کمونیسیم جنسی در نظر وی به معنی اختلاط و هرج و مرج^{۸۳} مبتنی بر بی قانونی زناشویی نیست و بزعم وی هرگز وجود نداشته است؛ بلکه به معنی گروه مردانی است که مرتبا با يك یا چند زن وصلت می کنند.

۴- ظهور نظریه

«دور کیم» در کتاب «قواعد روش جامعه شناسی» (D., 1895/ 1982:68) صریحا ظهور، نظریه را پس از پیشرفت مناسب علم امکان پذیر می داند و نه در آغاز آن. بر طبق نظر «گین» (Gane, 1969:25)، کاربرد طبقه بندی تکاملی بعنوان یکی از مراحل روند تحلیل، و نیز آزمایش که هم محصول ساده روابط مصنوعی است و هم کوششی است در تغییر عناصر، دلالت بر روش استقرائی در جامعه شناسی «دور کیم» دارد ولی لازم به ذکر است که روش قیاسی را در تعبیر و تفسیر نتایج حاصل از روش تغییرات متقارن^{۸۴}، مشابه کاربرد روشی کمکی در پرداخت ماهرانه فکری^{۸۵}، برای دستیابی به حجیت^{۸۶}، در مراحل تحقیق «دور کیم» (D., 1895/ 1982:152) نباید از نظر دور داشت بویژه هنگامیکه با پدیده سوم احتمالی بعنوان علت در پدیده ای که قبلا علت و معلول یکدیگر فرض کرده ایم، مواجه می شویم. همچنین بنظر می رسد فقدان دانش معتبر پیرامون انواع خانواده در زمان «دور کیم» (Gane, 1988:23) یکی از دلایل عدم نظریه پردازی گسترده پیرامون خانواده از سوی وی می باشد؛ چنانچه «کوزر» (۱۹۷۱/۱۳۷۳:۲۴۳) فقط قلمرو آموزش را از نظر «دور کیم» دارای پایه ای از پیشرفت تحقیقات اجتماعی و محل کار بست یافته های جامعه شناسی در قوانین مدنی بشمار می آورد. «بیتندر» (B., 1969:304) نیز به نقل از «ماوس» (Mauss, 1923)، یکی از شاگردان «دور کیم»، اظهار می دارد که «دور کیم» خودش، این محدودیت تحقیق

و بررسی مطالب را تشخیص داده بود و به وقفه بزرگ دانش خانواده در جوامع مختلف آگاه بود و این خودمانعی در کاربرد نمونه های تحلیل تطبیقی در رابطه با منشاء، توسعه، ساختار، و کارکردهای انواع مختلف خانواده بشمار می آمد و لذا به نقل از «سیمپسون» (Simpson, 1965) وی از چاپ اثری بزرگ پیرامون جامعه شناسی خانواده ابا داشت. علیرغم آنکه «بیندر» اذعان دارد که منابع مختصر «دور کیم» که حاوی مطالبی پیرامون عشق، سازگاری، ازدواج و چرخه زندگی خانوادگی است، بدلیل فقدان تحلیل تطبیقی انواع آن، امکان دستیابی به جامعه شناسی کامل خانواده را فراهم نمی گرداند، ولی همین منابع دلیل توجه قابل ملاحظه «دور کیم» به این موضوع است که چگونه پلی بر اکثر کارهای تخصصی وی بوده اند.

با مراجعه به فعالیت آکادمیک و سیر نگارش «دور کیم» که در ابتدا به دوره های درسی و انتشار مقالات پیرامون خانواده اختصاص داشت و سپس در اواخر به تعلیم و تربیت، اخلاق و دین؛ بنظر می رسد در ترجیحات «دور کیم» پیرامون نظریه پردازی، عوامل دیگری نیز دخیل بوده اند. از آنجا که وی مؤکداً در مقدمه «قواعد روش جامعه شناسی» (D., 1895/ 1982:33)، هدف خود را گسترش «عقل گرایی علمی»^{۸۷} بر رفتار بشر می شمارد، ضمن آنکه در سیر تحول و تطور جوامع، پیوندهای فرد را نسبت به خانواده و زاد و بومش سست و متزلزل در می یابد و اضطراب ناشی از واقعی نبودن برخی از کارکردها را با استقرار نظم جدید از طریق ایجاد اخلاق برای خود و تحت فشار علل درونی،^{۸۸} یا به عبارتی، اخلاق و حقوق حرفه ای در قالب صنف،^{۸۹} قابل جبران می بیند؛ در اواخر فعالیت آکادمیک و علمی خود، همچون مربی مسئول، در رفع نابسامانی ناشی از تزلزل پایه های اخلاقی و اجتماعی و مذهبی به تعلیم و تربیت و نوسازی مذهب رو می آورد. (D., 1893/1989:340,341,xlvi) چنانچه «آرون» (۱۳۷۲:۴۱۰) به تاکید «دور کیم» در رابطه با وظیفه جامعه شناس در انتظام حیات اقتصادی، نه از طریق دولت و خانواده، بدلیل عدم توانائی اعمال نظارت بر آن، بلکه در کشف قدرت سیاسی و اخلاقی گروههای حرفه ای اشاره می کند؛ و نیز «ترنر» (۱۳۷۰:۳۹۲) که بر تنفر «دور کیم» از دموکراسی توده ای بدلیل به انفعال کشاندن دولت در رسیدن به اهداف بلند مدت اذعان دارد؛ احتمالاً بیانگر جامعیت اخلاق به لحاظ علمی و عملی در اثر بخشی اعمال انسان بیش از پرداخت به خانواده از نظر وی می باشد.

۵- تحول روابط زناشویی

۵-۱- منشاء خانواده

به نظر می‌رسد بحث پیرامون منشاء خانواده و سیر تحول آن با مباحث معرفت‌شناختی^{۹۰} و کارکردگرایی «دور کیم» پیوند دارد. چنانچه در موضوع ماهیت خانواده به ریشه‌یابی آن در دین اشاره شد، برای دریافت بعد معرفت‌شناختی دین در آثار «دور کیم» که به نظر «رالز» (Rawls, 1996:430,431) هم از اهمیت بسیار برخوردار است و هم بیشترین غفلت نسبت به آن صورت گرفته است بطوریکه آنرا با جامعه‌شناسی دانش^{۹۱} «دور کیم» اشتباه گرفته‌اند و در نتیجه موقعیت کلی دور کیم شناخته نشده و برداشت کارکردگرا و ایده‌آلیست، هر دو با هم به وی نسبت داده شده است؛ باید به «صور اولیه حیات دینی» (D., 1915/ 1976:419)، آنجا که مذهب را جان بخش تمامی آنچه که در جامعه اساسی تلقی می‌شود به شمار می‌آورد، چراکه بزعم وی عقاید^{۹۲} جامعه همان روح^{۹۳} مذهب است. ضمن آنکه وی (Durkheim, 1915/ 1976:6) هنگامیکه به ماهیت کلان اولیه می‌پردازد، روابط^{۹۴} را از طریق قرابت نسبی^{۹۵} قابل تبیین نمی‌داند؛ چنانچه در «تقسیم کار اجتماعی» (1893-1989: x1iv)، اخلاق خانوادگی^{۹۶} را که منزلت خاصی به خانواده در گذشته می‌بخشید ناشی از هم‌خونی^{۹۷} نمی‌داند، چرا که از طرفی خویشاوندی مصنوعی^{۹۸} در تاریخ، بدون هم‌خونی نیز دارای خصیصه خانواده بوده است و از طرف دیگر، بسیار از پیوستگی‌های خونی وجود داشتند که به لحاظ اخلاقی و حقوقی نسبت به یکدیگر غریبه بودند و لذا «دور کیم» نتیجه می‌گیرد که نیروی خانواده از وحدت گذشتگان ناشی نمی‌شود و هم‌خونی فقط قادر بوده که چنین قوامی را در بین افراد تسهیل نماید. وی در «صور اولیه حیات دینی» (D., 1915/ 1976:102)، وحدت خانوادگی را در قالب «توتم»^{۹۹} تبیین می‌کند و آنرا وجه ممیزه کلان جمعی قلمداد می‌نماید بطوریکه نام یک کلان که برگرفته از توتم می‌باشد، موجب می‌گردد تا پدر و مادر و پسر و دختر و دایی و عمو، همگی خود را صورتی از یک خانواده واحد^{۱۰۰} به شمار آورند و بزرگی و کوچکی آن بر حسب بعد کلان تعیین گردد.

از نظر «دور کیم» (D., 1915/ 1976:106) طریقه اکتساب «نام» برای سازمان و جذب اعضای تازه کلان، امر بسیار مهمی است و به جامعه‌شناسی خانواده مربوط می‌شود تا جامعه‌شناسی دین؛ چرا که مسأله

دین و خانواده در جوامع پست تر^{۱۰۱} با توتیسم پاسخ داده می شود و علیرغم نزدیکی آندو، به لحاظ پیچیدگی موضوع، باید جداگانه بررسی شوند.

نکته مهم روش شناختی در فهم بهتر سازمان خانواده ابتدائی^{۱۰۲}، تقدم شناخت باورهای دینی ابتدائی نسبت به سازمان خانواده است چرا که بزعم «دور کیم» (D., 1915/1976:106)، باورهای دینی پایه سازمان خانواده است و در نتیجه ضرورت دارد که مطالعه توتیسم بمشابه دین، پیش از مطالعه کلان توتیک بمشابه گروه خانوادگی صورت گیرد.

۲-۵- خانواده در گذشته

در مقدمه «تقسیم کار اجتماعی» (D., 1893/1989:1vi) آمده است که «خانواده کهن»^{۱۰۳} صاحب اموال و دارایی غیر قابل تقسیم بود و از طریق نهاد مالکیت^{۱۰۴} عمومی یا نهاد ارت^{۱۰۵}، به حیات اقتصادی خود استمرار می بخشید. پس از اضمحلال صورت اشتراکی آن، خانواده ثروت را دریافت می کرد و بواسطه نزدیکترین اقوام متوفی خودش شناخته می شد. «دور کیم» (D., 1893/1989:1ii,x1iv) کارکرد اصلی آنرا بمشابه یک گروه که منبع حیاتی واقعیت بنیادی^{۱۰۶} بود. منشا صمیمیت و گرمی و فرونشاندن خودخواهیها و متعاقب آن، واضع قانون و اخلاق در منتهی درجه سختگیری و نیز محیطی برای یادگیری اولیه احساسات مهرآمیز و لذت بردن از آن قلمداد می گردید. به عبارت دیگر، خانواده در گذشته، نوعی اجتماع کامل با تاثیری گسترده در فعالیت اقتصادی، دینی، سیاسی، علمی و ... به شمار می آمد.

«دور کیم» (D. 1893/1989:158) خانواده را در گذشته برای مدت طولانی، تحت عنوان «قطعه اجتماعی حقیقی»^{۱۰۷} معرفی می کند که منشاء آن با کلان آمیخته بود؛ هرچند که بعدها از آن جدا شد و جزئی از کل به شمار آمد. وی خانواده را محصول قطعه بندی ثانوی کلان^{۱۰۸} به شمار می آورد که با آنچه که موجب ظهور کلان شده یکی می باشد. با از میان رفتن کلان، خانواده با همان توان باقی می ماند ولی به لحاظ گرایش قطعه به جذب در توده اجتماعی، ضرورتاً خانواده نیز وادار به انتقال و دگرگونی می شود و بطور فزاینده ای در ارگانهای جامعه جذب شده بمشابه یکی از ارگانها، دارای وظایف خاصی می گردد. متعاقب آن ارگانهای جامعه نیز در آن مداخله کرده اثر تعدیل بخش بر کارکرد خانواده دارند و یا حتی همچون محرکی

مثبت عمل می کنند.

۳-۵- خانواده کنونی

«دور کیم» (D., 1893/ 1989: 18-21) در بحث پیرامون تحول خانواده، شخصا به تقسیم کار جنسی^{۱۰۹} اشاره می کند و توسعه آنرا در جهت بسط و توسعه همبستگی زناشویی^{۱۱۰} به شمار می آورد. تقسیم کار جنسی از نظر وی منبع همبستگی زناشویی است بطوریکه زن و مرد نه به لحاظ تشابه بلکه به دلیل عدم تشابه طبایع^{۱۱۱} بنحوی که مکمل یکدیگر و دارای خاصیت جاذبه طرفینی اند، وحدت می یابند. وی مهمترین اثر تقسیم کار را همبسته شدن و متالف نمودن می داند، بطوریکه کاهش تقسیم کار جنسی اگر از حد معینی بگذرد، جامعه زناشویی از بین می رود و فقط روابط جنسی ناپایدار و موقت باقی می ماند. «دور کیم» با توجه به تمایز بیش از پیش کارکردهای زن و مرد، آنرا از شاخصهای مردم متمدن^{۱۱۲} و عامل تفاوت کامل زندگی زن از مرد قلمداد می کند.

«دور کیم» (D., 1893/ 1989: 77-79) ضمن تاکید بر تقسیم کار خانواده^{۱۱۳}، نه بنباشه يك پدیده ثانوی، بلکه برعکس بعنوان عاملی مسلط بر تمامی روند توسعه خانواده، تاریخ خانواده را از ابتدا نشانگر حرکت بی وقفه بسوی تمایز^{۱۱۴} بشمار می آورد، بطوریکه کارکردهای مختلفی که ابتدا غیر تفکیکی و درهم بودند بتدریج از یکدیگر جدا شده و صورتی مستقل می یابند و بر حسب جنس، سن و روابط خویشی، توزیع می گردند. وی تك همسری اجباری را نوع خانواده جوامع توسعه یافته به شمار می آورد. در این راستا، «دور کیم» (D., 1893/ 1989: 18-21) اذعان می دارد که با توسعه تاریخی، تقسیم کار میان زن و مرد به حد اعلی می رسد ولی بموازات آن، پیوندهای فرد به خانواده و زاد و بومش و سنتها به سستی می گراید و اخلاق و حقوق خانوادگی جایش را به اخلاق و حقوق حرفه ای در قالب صنف می سپارد.

۶- کارکرد خانواده

«بیندر» (Bynder, 1969:301) با اشاره به مقاله «طلاق با رضایت طرفینی»^{۱۱۵} که در سال ۱۹۰۶ توسط «دور کیم» به نگارش در آمد، به کارکردهای ازدواج می پردازد که عبارتند از کنترل شهوت؛ ممانعت از

اضطراب و عذاب ناشی از جستجوی بیهوده رضامندی؛ آرامش قلبی بواسطه تعادل درونی و به تبع آن بهداشت روانی و رضامندی؛ التزام و یکپارچگی نوع انسان بواسطه گروه بندی آپرومندان^{۱۱۶}. نکته مهم، قاعده ای است که بواسطه آن ازدواج به انفعال^{۱۱۷} تن در میدهد و به انسان مبنایی اخلاقی می بخشد و به تبع آن قدرت مقاومت وی را افزایش می دهد.

بنا به اظهار «بیندر» (B., 1969: 300-305)، از آنجا که بنیاد فلسفه سیاسی «دور کیم» بر احترام به قانون بنا نهاده شده و آنرا شالوده همبستگی و ثبات اجتماعی به شمار می آورد، و نیز به لحاظ آنکه آزادی را ثمره انتظام قلمداد می کند، با توجه به اثرات مرضی طلاق بر فرد، نهاد ازدواج، خانواده و اجتماع در سطح گسترده بویژه در «طلاق با رضایت طرفینی»، ضرورت کنترل بیرونی خانواده از طریق دولت را جهت ضمانت کارکردهای ویژه آن پیشنهاد می کند؛ بطوریکه «دور کیم» در کتاب «خودکشی» (D., 1893/1989: 21-18) تنها راه کاهش خودکشی ها را بلحاظ بی هنجاری زناشویی^{۱۱۸}، پایدارتر شدن ازدواج قلمداد می کند. وی با اشاره به نقش پدر و مادری و نه زن و شوهری مرد و زن در خانواده، بر این ادعاست که جامعه خانوادگی^{۱۱۹} مانند جامعه مذهبی، عاملی قدرتمند در مقابله با خودکشی به شمار می آید.

برخی از داده های غیر قابل انتظار «دور کیم» در مطالعه خودکشی، مبین بهره گیری سکس از نهاد ازدواج می باشد؛ ولی بنا به اظهار «تیریاکیان» (Tiryakian, 1981:169,163)، یافته های مذکور در اصطلاحات جهان بینی بورژوازی دوره وی بسیار غیر عادی به شمار می آمدند و «دور کیم» بر ارائه آنچه از یافته هایش استنباط می شود، نمی پردازد. نکته مهم، توجه ویژه ای است که «دور کیم» به انواع انتظامات جنسی و جنسیت^{۱۲۰}، بعنوان صورتهای اصلی سازمان اجتماعی مبذول می دارد. همچنین، موضوع آنومی جنسی^{۱۲۱} که در نوشته هایش یافت شده است و در طرح پرسشهای بنیادی دگرگونی در نظم اجتماعی دارای اهمیت ویژه است موجب استواری «تیریاکیان» بر این ادعاست که آنچه «دور کیم» یافته است، پاسخ عینی جامعه شناختی به ابهام چهارراه تجدید گرایی^{۱۲۲} است.

۷- خانواده و جنسیت

تاکید «دور کیم» در «تقسیم کار اجتماعی» (D., 1893/ 1989:17,18) بر ماهیت نامتشابه زن و

مرد و تقسیم کار جنسی بعنوان منبع همبستگی زناشویی، ابتدا بنظر میرسد این امر به دلیل تاثیر تفاوت‌های روانشناختی دو جنس باشد؛ ولی با نظر افکندن به منشا آن در «صور اولیه حیات دینی» (D., 1915/ 165-166: 1976) علت اصلی به شرایط جداگانه ای که زن و مرد در آن زندگی می کنند نسبت داده می شود، بطوریکه «دور کیم» با اشاره به توقیسم جنسی^{۱۲۳} در جوامع ابتدایی، تابعیت يك جنس از يك توتم را موجب تلقی مردان قبیله از یکدیگر به عنوان برادران، و تلقی زنان از یکدیگر به عنوان خواهران به شمار آورده، شرایط جداگانه زندگی دو جنس را عامل تلقی اجداد مختلف مربوط به توتم های مختلف می داند. البته این امر در برخی از قبایل رخ می دهد. همچنین در کتاب «خودکشی» (D., 1897/ 1979: 341,342,215,166,216)، دلیل تاثیر جنس بر خودکشی و دگرکشی^{۱۲۴}، علل اجتماعی قلمداد شده اند تا علل ارگانیك؛ چرا که عدم مشارکت زنان در زندگی جمعی و درگیرهای زندگی، تحمل شدايد را برای آنان در انزوای منزل آسانتر از مردان می کند و لذا نرخ خودکشی زنان از مردان در تمام جهان کمتر است. از طرف دیگر، زندگی همبسته زنان با سنن مذهبی، رضامندی و رفع نیازهایشان را آسانتر فراهم می کند در صورتیکه مردان بعکس، موجودی به لحاظ اجتماعی پیچیده ترند و تنها از طریق پشتیبانیهای خارجی به تعادل می رسند و از آنجا که توازن اخلاقی^{۱۲۵} مردان به شرایط گسترده تری وابسته است، متعاقبا آسیب پذیرتر^{۱۲۶} خواهند بود؛ ولی در مقابل، بنظر وی زنان اساسا به لحاظ سنتی در پیوند با طبیعت اند و رفتار خود را با باورهای ثابت اداره می کنند و دارای نیازهای فکری بزرگ نمی باشند.

«دور کیم» (D., 1897/1979: 385,386) با لحاظ کردن مردان به عنوان محصول جامعه و زنان به عنوان محصول طبیعت، فعالیت و درگیری اجتماعی زنان را در گذشته بیش از زمان حال و تمایز زنان و مردان را از یکدیگر در شهرها بیش از روستاها قلمداد می کند. به عبارت دیگر، چنانچه در «تقسیم کار اجتماعی» (D., 1893/1989: 18-20) نیز اشاره کرده است، وظایف زن و مرد در گذشته تقریبا یکسان و اختلاف نیروی بدنی آندو کمتر از زمان حال بوده است، در صورتیکه هیئت کلی و منش زنان امروز، به سوی ظرافت میل می کند و کار جنسی بیشتر تقسیم می شود و متعاقبا، زندگی زنان در جوامع پیشرفته کاملا با مردان متفاوت می گردد بطوریکه زنان وظایف عاطفی را بعهده دارند و مردان وظایف عقلانی. ادعای «دور کیم» در مورد ویژگیهای متمایز زن و مرد و تعلق آندو به دو جهان متفاوت، مورد نقد فمینیستها قرار گرفته است.

«له من» (Lehmann, 1995: 904) با طرح نظریه انحراف^{۱۲۷} بعنوان پدیده‌ای ماهیتاً غیر اجتماعی^{۱۲۸} و زن بعنوان موجودی غیر اجتماعی^{۱۲۹} در تقسیم کار اجتماعی «دور کیم»، به تناقض آندو با ویژگی تعیین اجتماعی «دور کیم» اشاره می‌کند. همچنین با توجه به یافته‌های «دور کیم» در کتاب «خودکشی»، مبنی بر اینکه افراد نسبتاً غیر اجتماعی یا زنان، در مقایسه با افراد نسبتاً اجتماعی یا «مردان» کمتر مستعد انحرافند، استدلال می‌کند که از آنجا که انحراف یک پدیده اساساً اجتماعی در نظر «دور کیم» است تا محصول فردگرایی افراطی یا فقر اجتماعی شدن، بنابراین نظریه دوم «دور کیم» پیرامون انحراف، ناقض نظریه ماهیت اجتماعی مردان و ماهیت غیر اجتماعی زنان می‌گردد.

در مقایسه با آن، جانسون (Johnson, 1979:194)، با اشاره به فرضیه خودکشی دگر خواهانه / قدری^{۱۳۰}، به عنوان نمونه‌های مهم خودکشی برای زنان، اظهار می‌دارد که در صورت اثبات آن، تعلق زنان به جهان اجتماعی متفاوت با مردان تایید خواهد شد، و آن نیز با مقایسه درجات گروه‌های مختلف زنان متاهل به لحاظ تفاوت‌های قومی، طبقه‌ای، مذهبی و آزمون همبستگی مثبت نرخ خودکشی زنان با درجه تابعیت آنان از نقش سنتی زنانه، امکان پذیر است. «جانسون» (J., 1979:187) با اشاره به مطالعات رفتار خودکشی زنانه و افسردگی، ویژگی‌های شخصیتی نظیر کمبود اعتماد به نفس، انفعالی بودن،^{۱۳۱} وابستگی و زندگی نیابتی^{۱۳۲} برای دیگران که در رابطه با شاخصهایی چون غیر شخصی بودن^{۱۳۳}، فروتنی^{۱۳۴}، انفعالی و مطیع بودن^{۱۳۵} که موجب فقدان ویژگی فردیت^{۱۳۶} در مقولات خودکشی دگر خواهانه / قدری دور کیم می‌گردد، اظهار میدارد که خودکشی مذکور ممکن است مربوط به تبیین رفتار خودکشی زنانه در جهان مدرن باشد.

با توجه به اظهارات «چلبی» به نقل از لوکس در «جامعه‌شناسی نظم» (۱۳۷۵:۱۱۹)، نابرابری بیرونی^{۱۳۷}، اولین بار توسط «دور کیم» مطرح شد که بر اساس آن، شرایط اجتماعی تولد بر افراد اعمال می‌شود؛ یعنی آنچه که امروز تحت عنوان پایگاه محول یاد می‌شود، در جوامع ماقبل صنعتی غالب بوده است؛ در مقابل، «نابرابری درونی» که در جوامع صنعتی رایج است، از مقتضیات تقسیم کار اجتماعی است و بر اساس استعدادهای فردی استوار است که امروزه تحت عنوان پایگاه محقق معرفی می‌شود؛ با توجه به تبیین «دور کیم» (D., 1897/ 1979: 231,238,385,386) از موقعیت غیر شخصی گونه زنان به لحاظ

زندگی نیابتی برای دیگران (همسر و فرزندان) و انفعالی بودن آنان به لحاظ عدم پشتیبانی اجتماعی هم‌تایان، همچنین به لحاظ معرفی مردان بعنوان محصول جامعه و زنان به عنوان محصول طبیعت، بنظر می‌رسد در مجموع، «دور کیم» برای زنان پایگاهی محول و برای مردان پایگاهی محقق در زندگی اجتماعی قائل بوده است.

ضمناً به این نکته باید توجه کرد که مرد به عنوان محصول اجتماع و زن به عنوان محصول طبیعت، با نظریه جبر اجتماعی^{۱۳۸} «دور کیم» (D., 1895-1982:144) که طی آن، موجودیت جمعی^{۱۳۹} در تمامی سطوح از طبیعت واقعیت بنیادی^{۱۴۰} سرچشمه می‌گیرد، تناقض دارد. همچنین تمایز فزاینده زن و مرد طی تحول جوامع با نظریه تقسیم جنسی جوامع ابتدائی که طی آن از ابتدا، زنان و مردان وابسته به توتمهای مختلف بوده‌اند، ابهام برانگیز است. به نظر می‌رسد در رفع این تناقض در صورتیکه در تبیین تفاوت دو جنس، ساختار بیولوژیکی آندو جنس و اکتساب صفات شخصیتی سازگار با آن لحاظ گردد، به مقصود نائل آئیم. به عبارت دیگر، زنان به لحاظ استعداد باروری و شیردهی، و مردان به لحاظ قدرت بدنی، درگیر در دو حوزه متفاوت اجتماعی بوده‌اند؛ ولی در جریان اجتماعی شدن و استمرار آن در طول تاریخ، با پدیده صنعتی شدن مواجه گردیدند، که طی آن، تکنولوژی سهم موثری در تسهیل امور خانه و ارائه اوقات بیشتر برای زنان داشته است و متعاقباً، مشارکت جدی زنان در فعالیتهای اجتماعی را فراهم کرده است؛ در اینصورت، تناقض دیگری که در نظریه «دور کیم» (D., 1893/1989: 18-20) در رابطه با زندگی زنان در جوامع صنعتی وجود داشته و آن کاهش مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی نسبت به جوامع ابتدائی است، رفع گردیده، بعلاوه، تعلق زن و مرد در جوامع ابتدائی به دو نوع توتم مختلف نیز تبیین خواهد شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد ابهام نظریه «دور کیم» پیرامون تفاوت دو جنس با شامل کردن مردان نظیر زنان به عنوان محصول طبیعت، رفع گردد؛ ضمن آنکه عدم تشابه طبایع مردوزن در صورت فراهم بودن فرصتهای برابر اجتماعی، توزیع برخی کارکردهای خانواده میان سایر نهادها، به همراه سیاستهای عدالت گستر در خانواده‌ها؛ هم به تعدیل تقسیم کار جنسی منجر خواهد شد و هم در تحقق استعدادهای بالقوه دو جنس، نقش بازدارنده نخواهد داشت، که بالعکس با تأسی بر نقطه نظرهای «دور کیم» در رابطه با کارکردهای مثبت خانواده، تقویت کننده نیز خواهد بود.

در اینجا با مشکل دیگری نیز روبرو می‌شویم و آن مفهوم و گستره «عدالت»^{۱۴۱} در نظر «دور کیم»

است. چه وی قواعد مربوط به وظایف اجتماعی را لازمه استقرار همبستگی ارگانیک به شمار می آورد ولی شرط کافی را عادلانه بودن آنها به معنی تساوی شرایط بیرونی رقابت یا به عبارت دیگر، کاهش نابرابری بیرونی (منشا شر) قلمداد می کند. ظاهراً گستره عدالت نزد وی (D., 1893/ 1989: 338,340) فقط «هنوعان»^{۱۴۲} را شامل می گردد و به نظر می رسد به لحاظ اجتماعی قلمداد کردن مردان، مراد از هنوع، همجنسان مرد می باشد. البته با مراجعه به زندگی شخصی «دور کیم» و حاکمیت الگوی خانوادگی سنتی یهودی بر روابط زناشویی و بهره برداری وی از فعالیت همسرش بعنوان زنی خانه دار که به وظایف منشیگری و غلط گیری کارهای پژوهشی وی نیز می پرداخت (۲۰۸: ۱۳۷۳/۱۹۷۱، کوزر)، البته اگر به تبیین روانشناختی تفکرات «دور کیم» متهم نشویم، علت موضع گیری خاص وی نسبت به زنان تا حدودی روشن می گردد؛ بهر حال، این متفکر بزرگ نیز نباید از قاعده تعیین اجتماعی مستثنی باشد!

نتیجه گیری و بحث

ناشناخته ماندن آثار «دور کیم» پیرامون خانواده، طی مدت بیش از نیم قرن، و پرهیز وی در ارائه چارچوب نظریه ای مستقل علیرغم طرح آن در سایر آثارش، به نظر می رسد در رابطه با ناپسندیده بودن تحقیقات تجربی و تطبیقی خانواده در ظهور نظریه ای منسجم، و اولویتی که «دور کیم» در عرصه تعلیم و تربیت برای بازسازی اصول اخلاق علمی در رفع نابسامانیهای ناشی از عدم جایگزینی نظام اخلاقی جدید متناسب با رشد فزاینده تقسیم کار اجتماعی و تخصص گرایی شدید در جوامع کنونی قائل بود، قابل دریافت باشد.

به نظر می رسد جوهره تفحص علمی «دور کیم» پیرامون خانواده، بنای تقسیم کار جنسی را بمنزله عاملی نیرومند در ایجاد همبستگی خانواده در بر می گیرد. در این راستا، پیوند رویکرد روش شناختی جامعه شناسی و مردم شناسی با تاکید بر پرهیز از مداخله پیش فرضهای ذهنی در آغاز تحقیق و بررسی تطبیقی داده های مربوطه به لحاظ تبیین واقعیت اجتماعی از طریق خود وقایع اجتماعی و نه غرائز و احساسات و امور فطری، و نیز معرفی روش تحلیل تطبیقی، روش تطبیق تاریخی و روش ژنتیک ملازم با بررسی علل و کارکرد پدیده ها و قوام آنها در قالب تبیین وقایع عینی مبتنی بر تعیین اجتماعی، ابعاد پژوهشی کار وی را انتظام می بخشند.

به لحاظ معرفت شناسی، ماهیت خانواده در نظر «دور کیم» ریشه در عقاید مذهبی که پایه و اساس تمامی وقایع اجتماعی است، دارد و لذا امری باقی است و در تحول جوامع، به اشکال گوناگون ظاهر می گردد، بطوریکه در سیر دگرگونی تاریخی، روابط زناشویی از حالت تشابه به عدم تشابه تحول می یابد و به تبع آن کارکردهای خانواده در سایر نهادها توزیع می گردند و لذا سیطره گسترده آن بویژه در اعمال نظارت بر حیات اقتصادی کاهش یافته، رشته پیوند و التزام افراد به خانواده و زاد و بومشان گسسته تر شده و به موازات این دگرگونی، نقش گروههای صنفی در انجام کارکردهای مربوط به خانواده نمایان تر می گردند.

نگرش «دورکیم» پیرامون جنسیت در رابطه با نظریه تعیین اجتماعی، توقیسم جنسی، و گستره عدالت، ابهام برانگیز و گاه متناقض به نظر می رسد؛ چرا که تعیین خاستگاههای مختلف برای دو جنس زن و مرد به نحوی که زن به عنوان محصول طبیعت و مرد به عنوان محصول اجتماع معرفی می گردد، با سیطره واقعیت بنیادی بر حیات اجتماعی همخوانی ندارد مگر آنکه اجتماعی بودن مرد بمنزله تابعیت وی از طبیعت ویژه مردانه اش در رابطه با قوای بدنی خاص و روند جامعه پذیری وی در امور بیرون از خانه، تلقی گردد؛ در غیر اینصورت، بنابر نحوه نگرش «دور کیم» بر گستره عدالت که با نابرابریهای بیرونی همبستگی منفی دارد، ناگزیر از قلمداد کردن پایگاه محول برای زنان و پایگاه محقق برای مردان در تعمیم برداشت وی می باشیم. بعلاوه، در صورتیکه تحول روابط زناشویی از تشابه به عدم تشابه سیر کند، خاستگاه توقیسم جنسی در جوامع ابتدائی که دلالت بر عدم تشابه اجداد توقیک دو جنس در برخی از قبایل دارد نیز ابهام برانگیز است.

در مجموع، جامعه شناسی خانواده «دور کیم» راهبردهای پژوهشی ارزنده ای در اختیار دانش پژوهان قرار می دهد که با تأسی بر آن، بویژه سهم والای وی در جهتگیری کلان مبنی بر استقرار و پایداری ازدواج از طریق مداخله دستگاه حکومتی در جلوگیری از طلاق با رضایت طرفینی، همچنین، یافته های بدیع وی پیرامون آنومی جنسی که قادر است فصل جدیدی را در تبیین دگرگونی در نظم اجتماعی تجدد گرایی بگشاید، برای جامعه شناسان علاقمند به آثار کلاسیک و برنامه ریزان فرهنگی و کارشناسان امور خانواده، زمینه ای است بکر و شایسته بازنگری جدی.

به عنوان نتیجه گیری، با توجه به موارد فوق الذکر می توان اظهار داشت:

۱- فرضیه شماره يك: «نهاد خانواده به لحاظ معرفت شناسی دور کیم ریشه در مذهب دارد»، مورد

تایید می باشد.

۲- فرضیه شماره دو: «جنسیت در چشم انداز دور کیم تابع نظریه تعین اجتماعی وی می باشد»، به لحاظ اختصاص یافتن زنان به محصول طبیعت و مردان به محصول اجتماعی، فقط در مورد جنس مرد تایید می شود.

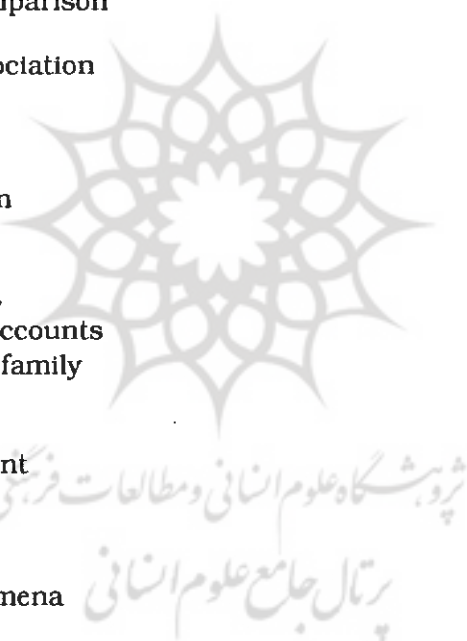
۳- فرضیه شماره سه: «ظهور نظریه مستقل پیرامون خانواده تابع دستیابی به تحقیقات تجربی تطبیقی بسنده می باشد»، مورد تایید قرار گرفت ولی متغیر دیگر نظیر اولویتی که دور کیم به لحاظ شمول بیشتر اخلاق در اعمال نظارت اجتماعی برای اشاعه آن بعنوان يك اصلاح گرا قائل است، باید در عدم ظهور آن در نظر گرفت.

۴- فرضیه شماره چهار: «توسعه روابط زناشویی تابع مدل توسعه اجتماعی دور کیم است» مورد تایید قرار نگرفت، زیرا چشم انداز خاص دور کیم بر تقسیم کار جنسی و شدت آن طی روند توسعه اجتماعی به خانه نشین شدن بیشتر زنان منتهی می گردد.

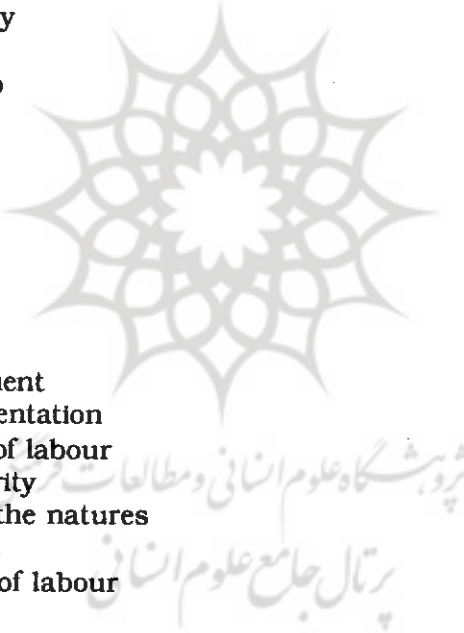
پانوشتها:

- 1- Emile Durkheim & the sociology of the Family
- 2- Journal of Marriage & the Family
- 3- Bordeaux
- 4- Conjugal Family
- 5- Introduction a la sociologie de la famille
- 6- Le divorce par consentement mutuel
- 7- A Durkheim Fragment
- 8- Sui generis
- 9- Social constraint
- 10- de- defferentiation
- 11- Phenomena of domestic life
- 12- The clan
- 13- The maternal family
- 14- The patriarchal family
- 15- Monogamy
- 16- Sexual union
- 17- Family life
- 18- Monogamous union
- 19- Compulsory monogamy
- 20- EThnography & history
- 21- Custom & law
- 22- Demography
- 23- To reach into it
- 24- Fluid
- 25- Determined
- 26- Consolidated
- 27- Possession

- 28- Marriage rules
- 29- Consanguineous
- 30- Emancipation by marriage
- 31- Judicial counsel
- 32- Right of succession
- 33- Dowry
- 34- Guardianship
- 35- Marriage ability
- 36- Consent
- 37- incest
- 38- Dissolubility versus indissolubility
- 39- Parental power
- 40- Majority
- 41- Inheritance
- 42- Rightful share
- 43- Speculate
- 44- Revolutionary Classification
- 45- Initial functional comparison
- 46- Social aggregates
- 47- Association & disassociation
- 48- Genetic
- 49- Origins
- 50- Priminal elements
- 51- Domestic organization
- 52- Rudimentary type
- 53- Objective
- 54- True sociological laws
- 55- Subjective narrative accounts
- 56- Legal Constitution of family
- 57- Social environment
- 58- Collective evolution
- 59- Particular environment
- 60- Special groups
- 61- Domestic life
- 62- General environment
- 63- Curse of social phenomena
- 64- Volume
- 65- Concentration degree
- 66- Dynamic density
- 67- Positivist theory of human nature
- 68- Particular theories
- 69- Individual consciousness
- 70- Innate
- 71- Fatherly affection
- 72- Inherent
- 73- Basis
- 74- Bachofen
- 75- Psychological relations
- 76- Mac lennan



- 77- Morgan
- 78- Relationships
- 79- Consanguinity
- 80- Instincts
- 81- Sexual communism
- 82- Promiscuity
- 83- Method of concomitant variations
- 84- Mental elaboration
- 85- Proof
- 86- Scientific rationalism
- 87- Internal causes
- 88- Corporation
- 89- Epistemology
- 90- Sociology of knowledge
- 91- Idea
- 92- Soul
- 93- Relationships
- 94- Consanguinity
- 95- Domestic Morality
- 96- Blood kinship
- 97- Artificial kinship
- 98- Totem
- 99- Single
- 100- Lower societies
- 101- Primitive
- 102- Ancient family
- 103- Property
- 104- Inheritance
- 105- Sui generis
- 106- True Social segment
- 107- Secondary segmentation
- 108- Sexual division of labour
- 109- Conjugal solidarity
- 110- Dissimilarity of the natures
- 111- Civilized peoples
- 112- Family division of labour
- 113- Dissociation
- 114- Le divorce par consentment
- 115- Respectable regimentation
- 116- Passion
- 117- Conjugal anomy
- 118- Domestic society
- 119- Sexuality & sexual regulation
- 120- Sexual anomie
- 121- Ambiguous cross-road of modernity
- 122- Sexual totemism
- 123- Homicide
- 124- Moral balance
- 125- disturbed



- 126- Deviance
- 127- Asocial phenomenon
- 128- Asocial being
- 129- Altruistic fatalistic suicide
- 130- Passivity
- 131- Living vicariously
- 132- Impersonalism
- 133- Submissiveness
- 134- Obedience
- 135- Individuation
- 136- External inequality
- 137- Social constraint
- 138- Collective being
- 139- Sui generis
- 140- Justice
- 141- Fellow- men

فهرست منابع:

الف- انگلیسی

- Alpert, Harry. 1939. " Emile Durkheim & his sociology ", In: Peter Hamilton (ed.). 1990. " Emile Durkheim (Critical Assessments), vol. Iv., N.Y.: Routledge.
- Bellah, Robert N.N. (Ed.) 1973. Emile Durkheim on Morality & society. Chicago: the university of chicago press.
- Bynder, Herbert. 1969. " Emile Durkheim & the sociology of the family ", In: Peter Hamilton, 1990. op.cit.
- Davy, George, 1931. " La famille et la parente' d' apres Durkheim ", In: Herbert Bynder. 1969. op. cit.
- Durkheim, Emile. 1888. " Introduction a la sociologie de la famille ", In Herbert Bynder. 1969. op.cit.
- -----, 1893/1989. The Division of Labour in society, London: Macmillan education LTD.
- -----, 1895/1982. The Rules of the sociological Method, London: The Macmillan Press LTD.
- -----, 1897/1979." Suicide", London: Lowe & Bryndone printers

LTD, thetford, Norfolk.

- ----- . 1915/1976. " The Elementary forms of the Religious Life, London: George Allen & unwin Ltd.
- Gane, Mike. 1988. On Durkheim's Rules of sociological Method, N.Y.: Routledge.
- Good, william J. 1959. The sociology of family, In: Hebert Bynder. 1969. op. cit.
- Holton, Robert J. 1996. classical social theory, In: Bryan S. Turner (ed.) 1996. The Blackwell companion to social theory, cambridge: Blackwell.
- Johnson, Kathryn K. 1979. " Durkheim Revisited: why do women kill themselves?", In: Peter Hamilton (ed.) 1990. Emile Durkheim. critical Assessments, vol. 3. N.Y. : Routledge.
- Lehmann, Jennifer M. (Jan) 1995. " Durkheim's theories of Deviance & suicide: A Feminist Reconsideration", AJS, 100(4).
- Mestrovic, stepan G. 1991. The coming Fin DE SiEcle, London: Routledg.
- Nisbet, Robert A. 1965. " Emile Durkheim", In: Herbert† Bynder. 1969. op. cit.
- Rawls, Annewarfield, 1996. " Durkheim's Epistemology: the neglected argument", AJS, 102(2).
- Simpson, George. 1965. " A Durkheim Fragment", In: Bynder, Herbert (ed.). 1990.op . cit.
- Tiryakian, Edward A. 1981. " Sexual Anomie, social structure, Societal change", In: peter Hamilton(ed.), 1990. Emile Durkheim. Critical Assessments, vol. 2.NY.: Routledge.
- ----- . 1986. on the significance of de-differentiation, In: S.N. Eisenstadt & H.J. Hell. 1986. Macro sociological theory, London: SAGE publications LTD.

ب- فارسی:

- آرون، ریمون. ۱۳۷۲. مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، باقر پرهام (مترجم) تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ترنر، جان اتان اچ و بیگلی ال. ۱۳۷۰. پیدایش نظریه جامعه شناسی (جلد دوم)، عبدالعلی مهستانی زاده (مترجم)، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- توسلی، غلامعباس. ۱۳۷۴. نظریه های جامعه شناسی، تهران: سمت.
- تیریکیان، ادوارد. ۱۳۷۳. «اشکال نخستین حیات مذهبی»، در: ایروینگ ام. زتیلین و همکاران، آینده بنیانگذاران جامعه شناسی، غلامعباس توسلی (مترجم)، تهران: نشر قدس.
- چلبی، مسعود. ۱۳۷۵. جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس. ۱۳۷۳ / 1971. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، محسن ثلاثی (مترجم)، تهران: انتشارات علمی.

